

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال چهارم، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۹۱
صفحات: ۷۷-۹۹
تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۳/۵

سازه‌های ژئوپلیتیکی در عراق نوین و چالش‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران

دکتر حسینعلی کریمی فیروزجایی* / محمدرضا عبدالله پور**

چکیده

با فروپاشی حزب بعث، ژئوپلیتیک و نیز ساختار معنایی حاکم بر کشور عراق دچار دگرگونی شد. بنابراین بازیگران جدیدی در روابط ایران و عراق ظهور کردند که در این راستا عراق به بلوک‌هایی مانند کردها، شیعیان و سنی‌ها تقسیم گشت که بالطبع این ساختار محذورات و مقدوراتی را در این روابط به وجود آورد. با این تغییرات در کنار فرصت‌ها ایجاد شده، چالش‌های نوینی فرا روی حکومت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. از این رو در این تحقیق سعی شده تا با بهره‌گیری از رویکرد سازه‌انگاره و در چارچوبی جغرافیایی (و تحت عنوان جغرافیای سازه‌انگاری) به مسأله پرداخته شود. سؤال اساسی در این پژوهش اینست که: سازه‌های ژئوپلیتیکی چگونه باعث تکوین چالش‌های فرا روی جمهوری اسلامی ایران در عراق شده‌اند؟ با توجه به سؤال مطرح شده هدف مقاله حاضر درک چگونگی برساختگی چالش‌ها به واسطه سازه‌های ژئوپلیتیکی است.

کلید واژه‌ها

سازه‌انگاری، جغرافیای سازه‌انگاری، سازه‌های ژئوپلیتیکی، جمهوری اسلامی ایران، عراق.

hakarimif@yahoo.com

rezaperow@yahoo.com

* عضو هیات علمی و استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن
** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

مقدمه

با فروپاشی حزب بعث در عراق، مؤلفه‌های جدیدی بر روی نقشه جغرافیای سیاسی این کشور ظاهر شدند و به تبع آن، اقتضائات جدیدی نیز شکل گرفت. در کشور عراق بازیگران مستقلی سر برآوردند که شخصیتی متفاوت از واحدهای سیاسی ماقبل فروپاشی حزب بعث داشتند. در این برهه زمانی جدید، ما با کشورهای متفاوتی در این منطقه مواجه هستیم که هر کدام ساختار ژئوپلیتیکی ویژه و طرح‌واره‌های خاص خود را در منطقه و نیز عرصه جهانی دارند که برخی از آن‌ها مشترک و بعضی از آن‌ها متفاوتند.

در زمان حاکمیت رژیم بعث در عراق، در اثر انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ میلادی)، در ایران گفتمان سیاسی - عقیدتی جدیدی نیز بر این کشور حاکم شد که با گفتمان شاهنشاهی و دوست و نزدیک به دنیای غرب متفاوت بود و دارای ماهیتی متفاوت و اسلامی است. حال بر اثر تکوین این فرایندها ما با یک فرم جغرافیای سیاسی و در نتیجه گفتمان جدیدی در عرصه تعاملات منطقه و به خصوص در روابط بین جمهوری اسلامی ایران و کشور عراق مواجه هستیم، هم کارگزاران ایرانی هویت سیاسی متفاوت، نوین و در عین حال ریشه دار را در گذشته اسلامی - شیعی خود باز تولید کرده‌اند و هم بازیگران جدیدی همانند آمریکا، ترکیه و اسرائیل در منطقه حضور یافته‌اند. با توجه به این تغییرات ما ضروری می‌بینیم که تحلیلی از روابط جمهوری اسلامی ایران با کشور عراق از طریق بررسی و درک سازه‌های ژئوپلیتیکی در منطقه و در نهایت درک چالش‌های فرا روی آن با رویکردی متفاوت، جدید و سازه‌انگارانه و در چارچوبی جغرافیایی ارائه دهیم. از این‌رو به دنبال پاسخگویی به این سؤال اساسی هستیم که: سازه‌های ژئوپلیتیکی چگونه باعث تکوین چالش‌های فرا روی جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق شده‌اند؟ قطعاً شناسایی و آسیب شناسی این مساله به دولتمردان و تصمیم گیرندگان جمهوری اسلامی کمک خواهد چالش‌ها را به فرصت تبدیل نموده و بر وزن منطقه ای جمهوری اسلامی ایران بیفزایند. لازم به ذکر است که این مقاله به شیوه ای اثباتی - هرمنوتیکی تدوین شده است.

گفتار اول: مبانی نظری تحقیق

الف) سازه‌انگاری رویکردی برای تحلیل روابط بین کشورها

سازه‌انگاری به طور کلی، به منظری فلسفی اطلاق می‌شود که بر اساس آن، تمامی دانش و نیز پدیده‌های انسانی برساخته شده‌اند و این برساختگی نیز به گونه‌ای اجتماعی و در جریان کنش متقابل بین ذهنی است (سلیمی، ۱۳۸۶: ۳۴). مباحث هستی‌شناختی به وضوح کانون اصلی توجه سازه‌انگاران را تشکیل می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۲۴). بر این اساس سازه‌انگاران از نظر هستی‌شناختی، واقعیت‌های اجتماعی را اموری ذهنی قلمداد می‌کنند که از مجموع قواعد، احکام، انگاره‌ها و... تشکیل شده است که این مفاهیم در طول زمان و در یک فضای جغرافیایی خاص تکوین یافته‌اند و متأثر از فرایندهای مختلف بوده‌اند تا به فرم و ساخت فعلی رسیده‌اند. این تغییر و اثرپذیری امری ایستا نیست بلکه دائماً در حال دگرگونی و باز تولید است. به همین سبب سازه‌انگاران جهان اجتماعی را در حال شدن می‌بینند (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۱)؛ همان‌گونه که کابالکوا می‌گوید سازه‌انگاران، جهان و از جمله جهان بین‌المللی را یک «پروژه بر ساختن بی پایان» می‌دانند که برساختن آن بر زمینه‌ای از ادراکات و تلقی‌های زمینه‌مند فراهم می‌آید (همان، ۲۱۴). این ادراکات در حال تغییر در هر برهه زمانی و در هر فضای جغرافیایی، فرم‌هایی از تصورات و انگاره‌ها را بدست می‌دهند که برسازنده هویت افراد و گروه‌ها است. بدین وسیله موجود خودآگاه، به تاریخ، حافظه مشترک جمعی، جایگاه سرزمینی، فرهنگ و... اشاره می‌کند و خود را از دیگرانی که صاحب این خصلت‌ها نیستند متمایز می‌کند. پس در کل، هویت‌ها بر اساس اشاره به «زمینه‌ها» شکل می‌گیرند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۸-۳۳). بنابراین کنشگران بر اساس این انگاره‌ها و تصورات ذهنی، خود را از دیگران باز می‌شناسند و به مفهوم کیستی خود و دیگری نائل می‌شوند. کنشگران دارای هویت، بر اساس مجموعه تصوراتی که از خود و دیگری و فضای کنشگری دارند دست به کنش می‌زنند و در جهت کسب منافع هستند که ریشه در همین انگاره‌ها و هویت‌ها دارند. ونت منافع ناشی از هویت و انگاره‌ها را مشتمل بر ۴ نوع منفعت می‌داند:

(۱) امنیت مادی، که شامل تمایز از دیگر کنشگران است؛ (۲) امنیت هستی‌شناختی، که موجد میل به هویت‌های اجتماعی باثبات است؛ (۳) شناسایی، به عنوان کنشگر از سوی دیگران به شکلی ورای بقا از طریق استفاده از زور عریان و (۴) توسعه، به معنای تأمین خواست‌های انسانی برای زندگی بهتر که دولت‌ها در سطح جمعی مسئول آن شناخته می‌شوند

(Wendt, 1994: 385). هر کنشگر منافع خود را بر اساس نظام هویتی خود جستجو می‌کند. از آنجا که هویت‌ها، منافع و کنش بازیگران را شکل می‌دهند، فهم و تلقی درست از آن‌ها برای تحلیل در سیاست خارجی و رفتار بین‌المللی بازیگران فوق‌العاده حیاتی است. در این راستا ونت هویت‌ها را اساس منافع می‌داند (Wendt, 1992, 398) و معتقد است بدون انگاره‌ها منافی وجود نخواهد داشت، بدون شرایط مادی در کل واقعیتی وجود ندارد. در نهایت برای هر نظام اجتماعی مفروضی، تنها ساختار (به شکل واحدی) وجود دارد (ونت، ۱۳۸۴: ۲۰۴).

ب) جغرافیا، سازه‌های ژئوپلیتیکی و درک توزیع توانمندی‌ها

جغرافیا علم روابط متقابل انسان و طبیعت است (شکوهی، ۱۳۸۲: ۱۸). اگر نقطه عزیمت بحث را این تعریف که توسط گریفیت تیلور ارائه شده است در نظر بگیریم باید گفت جغرافیا سه سطح انسان، محیط طبیعی و تعامل (روابط متقابل) را در بر می‌گیرد. بنابراین هم به انسان و نیروهای اجتماعی و مباحثی همچون هویت و فرهنگ و غیره می‌پردازد و هم محیط طبیعی و امکانات و منابع، فرصت‌ها و محدودیت‌های ناشی از آن و نیز ابزارهای بهره‌گیری از آن مانند تکنولوژی، پدیده‌های انسان ساخت و غیره می‌پردازد. بنابراین جغرافیا در هستی‌شناسی خود هم با مسائل انسانی (اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) مواجه است که پدیده‌هایی انتزاعی و بین‌ذهنی هستند و هم با مسائل محیطی-طبیعی مانند منابع، موقعیت ژئوپلیتیکی و... که هستی‌شناسی عینی و مستقل از ذهن دارند مواجه اند. در کنار این واقعیت دو وجهی یک وجه سوم و ترکیبی که ناشی از همان تعامل انسان و محیط طبیعی است نیز با هستی‌شناسی پیچیده، عینی-ذهنی مطرح می‌شود. بنابراین جغرافیدانان و به ویژه ژئوپلیتیسین‌ها با پدیده‌های عینی-ذهنی مواجه‌اند که باید برای شناخت آن‌ها (معرفت‌شناختی) دست به تبیین و تفهیم بزنند و در متدلوژی نیز راهی میانه یعنی اثباتی-هرمنوتیکی را در پیش گیرند. بر این اساس سازه‌های ژئوپلیتیکی را می‌توان یک پیکر واره از نظام معنایی، منافع و ساختار مادی قلمداد کرد که باید به صورت یک کل منفرد درک شود. در این مقاله ما به پیروی از این مسیر تحقیقاتی به تحلیل دو نوع سازه ژئوپلیتیکی خواهیم پرداخت:

۱- سازه ژئوپلیتیکی پایه^۱

از آنجا که ما در این مقاله یک منطقه و رابطه آن را با یک کشور همسایه یعنی جمهوری اسلامی ایران تحلیل می‌کنیم، آغاز تمامی کنش‌ها را کشورها و نظام داخلی آن‌ها به عنوان هویت‌های جمعی- ملی در نظر می‌گیریم و این واحد جغرافیایی- سیاسی را سازه ژئوپلیتیکی پایه در بحث کنشگری در منطقه می‌دانیم. کشور که ناشی از یک مجموعه پیکر واره از فرایندهای تکوینی در یک روند زمانی، یک جامعه خاص و یک بستر و قالب مکانی- فضایی است، اولین بار به صورت مدرن از سال ۱۶۴۸ میلادی در پیمان وستفاليا ظهور کرد (نقیب زاده، ۱۳۸۴: ۲۷). حافظنیا کشور را معادل دولت^۲ به صورت عام می‌داند با این تفاوت که بعد سیاسی و حکومتی برجسته تری دارد (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۷). در جای دیگر مجتهد زاده و حافظ نیا کشور را همان دولت در نظر می‌گیرند که در برگزیده حکومت، سرزمین و ملت است (مجتهد زاده و حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۵). ونت نیز از قول مایکل من می‌گوید که «دولت... یک مکان است» و معتقد است که دولت‌ها دامنه‌های فضایی دارند (ونت، ۱۳۸۴: ۳۰۷). حال این فضاها خود دارای جغرافیاهای فرهنگی- اجتماعی متفاوت با یکدیگر هستند. این جغرافیای فرهنگی بر توصیف و تجزیه و تحلیل نحوه تفاوت و یکسانی در زبان، مذهب، اقتصاد، حکومت و دیگر پدیده‌های فرهنگی از مکانی به مکان دیگر تکیه دارد (جردن و راونتری، ۱۳۸۰: ۱۱). جغرافیای فرهنگی به دنبال تحلیل جامع و مانعی است که چگونه هویت‌های گروهی مشخص در مقابل هویت‌های گروهی دیگر تکوین و ساخت می‌یابند و چگونه چشم اندازهای گوناگون پژوهاک گروه‌های هویتی است (Norton, 2000: 2). بر پایه همین، جغرافیاهای فرهنگی و فضاهای بقول میشل کوکو، غیر قابل فروکاست به همدیگر (Soja, 1992: 12-19) است که نظام‌های معنایی متفاوتی در قالب هویت‌های جمعی- ملی شکل می‌گیرد که منافع متفاوت با سایر بازیگران را دنبال می‌کنند و ساختار مادی را به نحوی خاص و بر اساس انگاره‌ها و تصورات خود تفسیر می‌کنند. ترسیم تفاوت‌های اجتماعی و نابرابری‌ها در سرتاسر جهان، شبکه‌ها، روابط، گروه‌ها و هویت‌ها را به صورت سازمان یافته آشکار می‌کند، که این امر برخلاف تحلیل‌های صرف اجتماعی، نه فقط به صورت اجتماعی بلکه به صورت جغرافیایی نیز تحلیل می‌شود (Del Casino, 2009: 12). این مکانیسم‌های جغرافیای فرهنگی- اجتماعی که بر ساخته‌هایی

1- Basic Geopolitical construct

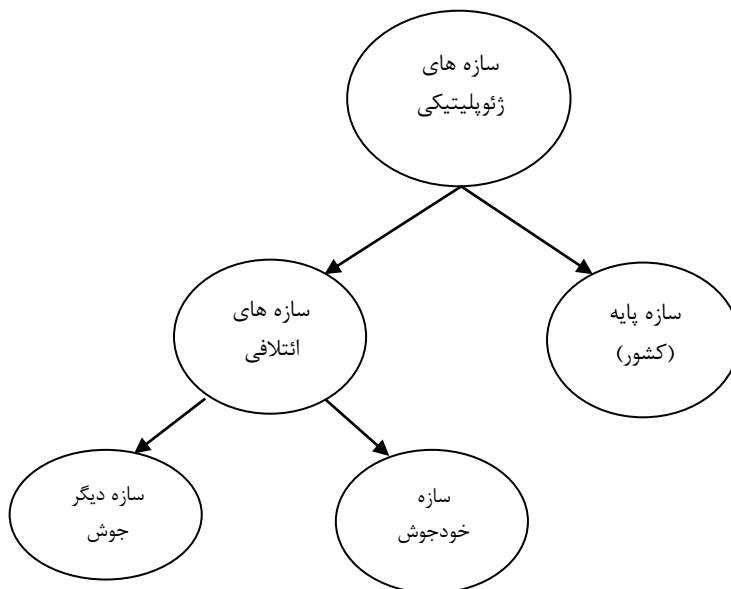
2- State

جغرافیایی هستند گاهی ممکن است چنان بدیهی انگاشته شوند که دیگر به آسانی قابل دستیابی نباشند، و حتی ممکن است ناخودآگاهانه باشند (بلیکی، ۱۳۸۷: ۱۴۹). سیاست خارجی‌های متفاوت نیز که بر اساس جغرافیاهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی متفاوت است، مجموعه‌ای از رفتارها و گفتارهایی است که ریشه مکانی-فضایی متفاوت دارند و بنابراین کردارهای ژئوپلیتیکی^۱ قلمداد می‌شوند. کردار به رفتارها و گفتارهای کلامی اطلاق می‌شود (Onuf, 1989: 36) که با توجه به ریشه دار بودن آن‌ها در فضاهای جغرافیایی و دامنه فضایی آن‌ها نگارندگان آن‌ها را کردارهای ژئوپلیتیکی نام‌گذاری کرده‌اند. بر این اساس هر کشور و دولتی یک سازه جغرافیایی «ژئوپلیتیکی» است که دارای خصیصه‌های ویژه و مجزا از دیگر کشورها و دولت‌ها است. کشورها در پیگیری منافع ناشی از نظام معنایی خود با محدودیت‌ها و فرصت‌های مادی و ساختاری مواجه‌اند که سبب می‌شود دست به تغییر رویه‌ها و در نتیجه باز تعریف هویت خود جهت پیگیری منافع در عرصه روابط بین‌الملل بزنند و برای غلبه بر محدودیت‌های مادی مانند منافع و موقعیت‌ها نیاز به سرمایه‌گذاری‌ها، تکنولوژی و نیز دیپلماسی و تعامل با دیگر کنشگران دارند و برای رفع محدودیت‌های ساختاری با توجه به میزان توانمندی‌شان دست به نوعی از تغییرات در نظام معنایی خود می‌زنند. در اینجا بر اساس یک اصل واقع‌گرایانه، کشوری که کمترین بهره را از توزیع توانمندی‌ها در منطقه یا عرصه ژئوپلیتیک بین‌الملل دارد و نیز بیشترین تفاوت معنایی را با نظام آنارشیک حاکم بر منطقه و جهان دارد برای توسعه، بیشترین نیاز را به بازبینی و بازتعریف نظام معنایی و شکل پیگیری منافع خود دارد زیرا همان‌طور که ونت می‌گوید، دولتی که دارای رویه‌ای غیر از رویه حاکم بر نظام آنارشیک بین‌المللی است عملکرد مناسبی نخواهد داشت (ونت، ۱۳۸۴: ۱۵۷) و بیشترین چالش‌ها را دارد. حال اگر این خصیصه را با بهره‌مندی پایین یک کشور از توزیع توانمندی‌ها جمع ببندیم یک ناکارآمدی مضاعف و در نتیجه چالش مضاعفی سد راه دولت مطروحه قرار خواهد گرفت. لازم به ذکر است که در اثر اختلاف در سازه‌های ژئوپلیتیکی به‌ویژه سازه‌های معنایی است که کنشگران جهت ایجاد نظم آنارشیک مبتنی بر نظام معنایی خود دست به تعریف از خود و دیگری می‌زنند و در جهت رقابت با رقبای دشمنی با دشمنان از توانمندی‌های خود جهت دستیابی به آن استفاده می‌کنند.

1- Geopolitical Deeds

۲- سازه ژئوپلیتیکی ائتلافی یا شناور^۱

این سازه ریشه در فضاهایی با خصیصه‌های نزدیک به هم دارد که یا منشأ آن در تاریخ و شکل تکوین آن فضاهای جغرافیایی است و یا ناشی از کنش‌های عامدانه دولت‌ها و به‌ویژه استعمارگران در سده‌ها و دهه‌های اخیر جهت همسان‌سازی فضاهای جغرافیایی متکثر به نفع سرمایه‌داری است و این سازه را از آن جهت ائتلافی نام‌گذاری می‌کنیم که به صورت خود جوش و به‌شکل تکوینی، به ائتلافی بین سازه‌های پایه (کشورها) قوام می‌دهد (سازه ژئوپلیتیکی ائتلافی خودجوش) یا به صورت عامدانه سازه‌های پایه یا ائتلافی خودجوش در جهت ائتلاف با هم توسط یک یا چند و یا گروهی از کارگزاران غیر خودی دستکاری و دگرگون و همسان‌سازی می‌شوند (سازه ژئوپلیتیکی ائتلافی دیگر جوش یا همسان‌سازی شده). یکی از نمودهای بارز ایجاد سازه‌های ائتلافی به صورت دیگر جوش و عامدانه، همسان‌سازی کشورهای جهان سوم برای ایجاد بازار مصرف توسط کشورهای غربی و توسعه یافته است.



نمودار (۱): مدل مفهومی سازه‌های ژئوپلیتیکی

1-Coalition or Floating Geopolitical Construct

منظور از سازه‌های ائتلافی یا شناور به صورت مطالعه موردی در این مقاله مجموعه اشتراکاتی است که کشور عراق بین قومیت‌های آن یا میان بازیگران یا مابین برخی بازیگران و کشورهای منطقه وجود دارد (مثلا سازه شیعه بودن بین ایران به عنوان بازیگر منطقه ای و... به‌عنوان کشورهای منطقه).

گفتار دوم: سازه‌های ژئوپلیتیکی عراق و چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران

حال با توجه به مسائل مطرح شده و قبل از اینکه ما به تحلیل سازه‌های متفاوت ژئوپلیتیکی در کشور عراق و چالش‌های فرا روی جمهوری اسلامی ایران بپردازیم ضرورت دارد سازه‌های ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران برجسته و شرح داده شود.

الف) سازه ژئوپلیتیک پایه ایرانی

۱- هویت جغرافیایی - تاریخی

از نظر موقعیت و فضای جغرافیایی، ایرانیان با توجه به شکل قرارگیری سرزمینشان همواره با اقوام مختلفی در ارتباط بوده‌اند (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۴، ۱۵) و این اقوام تحت عنوان مهاجرت یا هجوم، به سرزمین ایران آمده‌اند و از این باب ایران زمین محل حشر و نشر و تعامل اقوام مختلفی بوده است. موقعیت خاص ژئوپلیتیکی سرزمین ایران سبب شده تا در همسایگی قدرت‌ها و اقوام مهاجمی همچون روم و تورانی‌ها در عصر باستان قرار گیرند و در دوره‌ی اسلامی و نیز دوران معاصر، ایرانیان با اقوامی مانند ترک، عثمانی، انگلیس، روسیه و آمریکا مواجه گردند که به خاطر فضا و موقعیت با اهمیت آن همواره سعی بر دست اندازی بر این سرزمین را داشته‌اند (همان). اهمیت سرزمین ایران رفته رفته به تصور و انگاره‌ای عمیق در بین ایرانیان منتهی شد، به نحوی که در آثار و نقشه‌های جغرافیدانان ایرانی، ایران زمین همیشه بهترین اقلیم و در مرکز عالم تصور شده است (شکوهی، ۱۳۷۳: ۱۰-۶) و حتی در ادبیات و شعر فارسی نیز نمود پیدا کرده است. این باور به نوعی جغرافیای افسانه‌ای - که در مرکزیت آن سرزمین «ایران ویج» یا «خونیرس» قرار دارد که از فریدون به نیای ایرانیان (ایرج) به ارث رسیده است (خیراندیش و شایان، ۱۳۷۰: ۱۲-۱۱) - منجر شده و به مفهوم ارض ملکوت در ادبیات عرفانی ایران شکل داده است. بنابراین جای تعجب نیست که نگاه ایران به جهان عمیقا

ایران مدار است و در این دیدگاه چنان تعصبی وجود دارد که همیشه برای بیگانگان قابل درک نیست (فولر، ۱۳۷۳: ۱). این انگاره با نمایان شدن هرچه بیشتر موقعیت ژئوپلیتیکی و کشف منابع گاز و نفت و نیز در جریان جنگ اول و به ویژه دوم جهانی که از ایران به عنوان پل پیروزی یاد شد بیش از پیش در بین ایرانیان تقویت شد. اهمیت ایران و تصور ناشی از آن به ساخت یابی انگاره‌های دیگری از قبیل انگاره ترس از سلطه بیگانگان بر این سرزمین ارزشمند، توهم توطئه بیگانگان و دست‌نشاندهی برخی خواص و سیاستمداران منتهی می‌شد که خود به زندگی شخصی ایرانیان نیز رسوخ کرده (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۹۷-۱۹۶) و بعضاً آثار زیان باری را در تاریخ سیاسی ایران بجای گذاشته است که از جمله می‌توان به ناکامی دولت مردمی مصدق و شکست آن پس از ملی شدن صنعت نفت اشاره کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۲۱-۲۲۰). تاریخ ایرانیان که برآمده از جغرافیای خاصشان است نیز به گونه ای گسترده بر شکل‌یابی ساختار معنایی این کنشگران تأثیر گذار بوده است. ایرانیان از یک‌طرف به وجود پادشاهان سرشناسی همچون کوروش و داریوش و پیامبر بزرگی همچون زردشت (رازی، ۱۳۴۷: ۱۶) و سلسله‌های باشکوه و قدرتمند خود در دوره‌های پیش و پس از اسلام افتخار می‌کنند و هرگز شکوه‌مندی حکومت‌های ایران باستان و خاطره کشور بزرگ و یکپارچه را از یاد نبرده‌اند و بدین‌گونه به برتری سرزمین و قوم خود واقف بوده‌اند و از سوی دیگر تلخی‌های شکست و دست‌اندازی توسط مهاجمین به ویژه در دوره معاصر سبب حساسیتی عمیق نسبت به ارتباطشان با خارجی‌ها می‌شود که در طول تاریخ این خصیصه سبب ظهور جنبش‌هایی مانند شعبیه که جهت احیای فرهنگ ایرانی و اسلام واقعی در برابر تحقیری که اعراب به دیگر اقوام و خصوصاً ایرانیان روا می‌داشتند (فولر، ۱۳۷۳: ۱۶) و نیز انقلاب اسلامی در سال ۵۷ شده است.

۲- هویت زبانی - قومی

نام «ایران» خاستگاهی قومی دارد و معرف قوم و نژادی است که بر اساس نظریه‌های باستان‌شناسی و تاریخی، اجداد و نیاکان ساکنان سرزمین ایران بوده‌اند. این قوم که به آریایی‌ها معروفند، در اواسط هزاره دوم قبل از میلاد وارد فلات ایران شدند و از طریق محو کردن یا راندن تمدن‌های پراکنده و کوچک بومی و یا ادغام در آن‌ها، تمدن و فرهنگ جدیدی را در سرزمین ایران مستقر ساختند که در دوره‌های بعد به درجاتی از تکامل نایل آمد و هویت سکنه سرزمین ایران را شکل داد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۰). به رغم حمله اعراب و ورود ترک‌ها به

ایران زمین، کماکان فرهنگ و هویت اقوام ایرانی با محوریت زبان فارسی باقی مانده و امروزه اقوام ایرانی از قبیل فارس‌ها، لرها، کردها، گیل‌ها و... خود را بازمانده ایرانیان باستان می‌دانند. این اقوام به علاوه ترک‌های آذری (که به اعتقاد اکثریتی از محققان دارای ریشه قومی با اقوام ایرانی هستند) و نیز ترکمن‌ها و اعراب، زبان فارسی را به عنوان زبان رسمی کشور پذیرفته‌اند ولی به صورت غیر رسمی به زبان‌های خود تکلم می‌کنند. در این جا ما زبان فارسی و ایرانی بودن اقوام را مدنظر می‌گیریم زیرا معمولاً ایرانیان خود را با عنوان ایرانی و تا حدودی با رجوع به زبان فارسی به عنوان زبان معیار (و نه زبان بلامنزاع ملی) از دیگران جدا می‌کنند، یعنی بخشی از هویت خود را در ایرانی بودن و زبان فارسی جستجو می‌کنند.

۳- هویت اسلامی و ایدئولوژی دولت جمهوری اسلامی ایران

اسلام به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل انگاره ساز و ساخت دهنده به هویت جمعی ایرانیان، با ورود به ایران در تعاملی پایاپای با تاریخ، جامعه و جغرافیای این سرزمین همواره نقشی مهم در بر ساختگی ساختار معنایی کنشگران ایرانی داشته است. در طول حدود ۱۴۰۰ سال، اسلام تأثیرات عمیقی را بر اندیشه و تصورات ایرانیان گذاشته و در چارچوب جغرافیای فرهنگی ایران زمین تأثیرات زیادی نیز پذیرفته است (مطهری، ۱۳۶۲: ۳۶۵-۳۵۵ و ۳۸۷-۳۷۱).

در دوره معاصر مفهوم جدیدی از درون مفاهیم اسلامی سر برآورد و تحت عنوان خیزش اسلامی رویکرد و نگاهی خاص را در بین مسلمانان و از جمله ایرانیان به وجود آورد. خیزش اسلامی در واقع، احیای موثر و موکد تعهدات دینی است، این خیزش که پهنه جغرافیایی گسترده ای را در بر گرفته است با بسیاری از تفکرات دنیای جدید مخالف است (برگر، ۱۳۸۰: ۲۳). تفکر سیاسی مقاومت اسلامی در برابر فرهنگ غرب در اندیشه‌های سید قطب در مصر، ابو الا علی مودودی در پاکستان و آیت الله [امام] موسوی خمینی [ره] (و همچنین نواب صفوی) در ایران به روشنی ظاهر گردیده است که هر کدام به نوعی گفتمان اسلام مبارز را رهبری کرده‌اند و در گستره جهان اسلام مقاومت در برابر غلبه فرهنگ و حاکمیت سیاسی لیبرال دموکراسی غرب را ترویج نموده‌اند (اسپوزیتو، ۱۳۸۷: ۳۰۰). این خیزش معاصر با توجه به نظر محمد اقبال، شاعر و فیلسوف معروف مسلمان که اسلام را به شکلی ماهوی غیر سرزمینی می‌داند (سیمبر، ۱۳۸۵: ۱۰۰) عملاً سرزمین خاصی را مدنظر قرار نمی‌دهد و توجه آن به همه مسلمانان در تمامی گوشه و اکناف جهان است. در این تفکر جدید بر پایه مفاهیم سنتی اسلام،

نوعی تعریف جدید از تقابل کفر و ایمان ارائه شده است. به گونه‌ای که سید قطب بر پایه تئوری جاهلیت همه جوامع و نظم‌های فعلی را نفی کرده است (قطب، ۱۳۴۶: ۱۱۶-۱۲) و بر اساس آن جامعه‌ی زمان خود را همچون جامعه جاهلی مکه می‌داند (سیدقطب، ۱۳۷۸: ۱۲۲، ۱۱۵-۱۱۲، ۱۸). انقلاب اسلامی سال ۵۷ در ایران از درون همین اندیشه خیزش اسلامی و تفکر سیاسی مقاومت اسلامی، بر آمده است. به گونه‌ای که هم در سخنان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی (که خود از سردمداران تفکر جدید مقاومت اسلامی است) و هم از متن قانون اساسی جمهوری اسلامی به ویژه در مقدمه و نیز اصل ۱۱ آن می‌توان به این امر پی برد. باید بدانیم همان طور که از روح انقلاب اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی و سخنان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بر می‌آید جمهوری اسلامی بر همان اندیشه‌های مبتنی بر اسلام خیزشی تاکید دارد. به‌عنوان مثال حضرت امام خمینی (ره) در یکی از سخنرانی‌هایشان کشورهایمانند ترکیه را از ایادی نظم جاهلی و استکبار جهانی محسوب کرده و وظیفه حکومت اسلامی می‌داند که مردم مسلمان را از اسارت این حکومت‌ها نجات دهند (امام خمینی، ۱۳۶۲: ۲۸-۲۷). مقام معظم رهبری نیز بارها در سخنرانی‌هایشان از عناوینی همچون استکبار خبیث و آمریکای جهان‌خوار استفاده می‌کند و بر قطع شدن دستان استکبار از دامن ملل اسلامی و نابودی اسرائیل تاکید دارند.

با توجه به این مطالب باید گفت هویت جمهوری اسلامی و ایرانیان بر اساس انگاره‌ها و حساسیت‌های ژئوپلیتیکی، تاریخی، قومی-زبانی و اسلامی-ایدئولوژیک پی‌ریزی شده و یک سازه ژئوپلیتیکی تجدید نظر طلب در نظام ژئوپلیتیک جهانی به‌صورت اعم و منطقه‌ای به‌صورت اخص را خواستار است. پس باید گفت جمهوری اسلامی ایران نسبت به نظم غربی و به اصطلاح جاهلی تجدید نظر طلب است یعنی به‌دنبال تغییر است (نظام آنارشیک تجدید نظر طلب) و نسبت به ملل مختلف در جهان بدون توجه به دولت‌هایشان پیرو یک نظام آنارشیک همکاری جویانه است. حال ما با تحلیل سازه‌های ائتلافی خودجوش و دیگر جوش در منطقه آسیای مرکزی و بازیگران مختلف منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و نیز درک نوع نظام آنارشیک حاکم بر این منطقه و همچنین شکل توزیع توانمندی‌ها بین ایران و دیگر بازیگران در منطقه به بررسی و درک چالش‌های فرا روی جمهوری اسلامی خواهیم پرداخت.

ب) سازه‌های ژئوپلیتیکی ائتلافی در عراق

۱- سازه معنایی در عراق

۱-۱- سازه فرهنگ، قومیت و زبان

مردم عراق پس از فروپاشی حزب بعث به دنبال جایگزینی ایدئولوژی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نوینی به جای بعثیسم برای تعریف هویت ملی خویش هستند. مردمان کشور عراق قبل از استقلال، فاقد هویت و فرهنگ جداگانه‌ای بوده‌اند و مردم عموماً به صورت ایل، عشیره، قبیله و در برخی موارد از طریق اداره مذهب می‌شدند. ایجاد عراق جدید، موضوع هویت و فرهنگ را در منطقه پیچیده نموده است (واعظی، ۱۳۸۷: ۱۰۸). از جمله تفاوت‌های درون منطقه‌ای در عراق، می‌توان به عدم تطبیق مرزهای سیاسی بر سرحدات قومی، زبانی و فرهنگی اشاره نمود (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۶: ۹۵)، که جمهوری‌های این منطقه را در داخل مرزهای فرهنگی - قومیتی تصنعی واحدهای سیاسی و اداری جایگزین نموده است (واعظی، ۱۳۸۷: ۱۰۹). اما به رغم این تقسیم بندی سیاسی، از لحاظ زبانی به جز کردها همگی به زبان عربی صحبت می‌کنند. این امر سبب می‌شود تا ایران اشتراک زبانی کمی با مردم این منطقه داشته باشد و سرمایه گذاری فرهنگی، قومیتی و زبانی این کشور را در منطقه با چالش مواجه سازد. در مقابل، کشور ترکیه به عنوان رقیب ایران در عراق با اشاعه قدرت اقتصادی خود به بهره برداری از این فرصت پرداخته است. ترکیه همواره به عراق و به خصوص شمال عراق توجه خاصی داشته است و اندیشه ناسیونالیسم ترک، اندیشه‌های اساطیری خود را با بهره گیری از پیشینه تاریخی و فرهنگ ترکی جهت نفوذ در منطقه بکار می‌گیرد (بیات، ۱۳۷۰: ۱۲). نئوعثمانیگری جدید ترکیه و نیز توجه به کردها و توجه به ترکمن‌های عراق و بالطبع منطقه موصل یک چالش جدی را برای جمهوری اسلامی ایران به همراه آورده است.

جدول (۱): صورت بندی اقوام و زبان‌ها (گروه‌های قومی) در عراق

گروه قومی	بر آورد جمعیت	محل استقرار دیگر هم تباران قومی	مذهب	زبان
عرب‌ها	۱۶ تا ۲۰ میلیون	سرتاسر شمال آفریقا؛ خاورمیانه و ایران	۸۰-۶۵ درصد شیعه ۳۰-۲۰ سنی کمتر از ۵ درصد مسیحی	عربی (با گویش عراقی)
کردها	۳/۶ تا ۴/۸ میلیون نفر	ترکیه، ایران، سوریه، ارمنستان، گرجستان، آذربایجان	اغلب سنی و شیعه اقلیتی یزیدی	کردی
ترکمن	۳۰۰/۰۰۰ تا ۸۰۰/۰۰۰	ترکیه - ایران - آذربایجان	اغلب سنی	آذری ایرانی و ترکیه
گروه‌های دیگران قومی	حدود یک میلیون نفر	اغلب مسیحیان، ایرانیان و دیگر گروه‌های مستقر در خاورمیانه	حداقل ۵۰ درصد مسیحی، مابقی شیعه سنی و دیگر مذاهب	اغلب عربی، تا حدودی فارسی و نیز دیگر زبان‌ها

همچنین (به رغم مسلمان بودن مردم) از لحاظ مذهبی اکثریت مردم عراق شیعه هستند از این رو ایران در حوزه مذهبی نیز نفوذی که می‌توانست در یک کشور شیعه مذهب داشته باشد را داراست همان عاملی که سایر بازیگران از آن محرومند. البته اقلیت سنی مذهب عرب متنفذ و کردهای سنی مذهب گرچه با رویکرد سکولار نیز در عراق صاحب وزنه اند که این سازه‌های چالش‌زا از نوع ائتلافی خود جوش بوده و ناشی از تکوین زبانی- مذهبی خاص در این منطقه است.

۱-۲- سازه ایدئولوژی سیاسی در عراق

ایدئولوژی کنشگران در عراق جدید، در دو سطح سیاسی و اجتماعی با رویکرد شیعه گرایی اعتدالی و سکولاریسم به صورت هم پیوند قوام یافته است که در سطح سیاسی با حضور دولت و تمامی نهادهای ایجاد شده در عراق جدید بر ماهیت سکولاریسم و جدایی دین از حکومت تاکید دارند. اگرچه رهبران این کشورها از تمایلات اجتماعی مبتنی بر اسلام اعتدالی و نقش آن در ساختن هویت فرهنگی جامعه خویش آگاهی دارند. بنابراین ایدئولوژی حکومت در عراق در

داخل مرزها بر مبنای سکولاریسم بوده و به ارزش‌های دینی مردم جامعه خویش نیز تا حدودی توجه می‌شود، اما در سطح روابط خارجی با تاکید بر ارزش‌های سکولار و لیبرالی به دنبال منافع ملی خویش جهت توسعه ملی هستند. امروزه قوانین اساسی عراق نیز به اصل تفکیک دین از سیاست احترام می‌گذارند. با این حال اسلام به‌عنوان دین اکثریت در سطح جامعه قابل قبول است، اما اسلام مورد حمایت دولت در عراق، در واقع تلاشی برای بهره گرفتن از مذهب برای رفع نیاز خود است (آکینر، ۱۳۸۳: ۱۲۲-۱۲۱). شواهد نشان می‌دهد در عرصه بین‌الملل رهبران سیاسی در عراق بیش از اسلام، نگران قدرت و منافع ملی هستند و هرگونه بی‌ثباتی را یک خطر جدی برای خود تلقی می‌نمایند، بنابراین طبیعی است که دین نقش موثری در سازماندهی بنیان‌های سیاسی - اجتماعی این کشورها ایفا نکرده است (Anna, 1999: 35-36). البته لازم به ذکر است که به دنبال حمله نیروهای ائتلاف، زمینه حضور گروه‌های دینی و به‌ویژه اسلامی در جامعه و رسانه‌های عمومی فراهم شده است (یزدانی، ۱۳۸۶: ۱۴۷). امروزه چند جریان و جنبش اسلامی در کشور عراق وجود دارد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان در کردستان عراق به حزب اتحاد اسلامی کردستان که گرایشی به سوی اسلام اعتدالی و تمایل به الگوی ترکیه‌ای دارد و در انتخابات مارس ۲۰۱۰، موفق به گرفتن ۴ کرسی و حزب جماعت اسلامی به رهبری علی باپیر و با رویکردی سلفی اشاره نمود که در همان انتخابات موفق به اخذ دو کرسی در پارلمان گشتند اشاره نمود (قادری، ۱۳۹۰) و در میان گروه‌های عرب سنی به حزب اسلامی عراق که متشکل از تجمع ملی عراق و مجلس گفت و گوی ملی است اشاره نمود (همان). اما با توجه به گرایش‌های بالقوه مذهبی مردم کردستان، احزاب اسلامی ولو به‌صورت محدود تأثیراتی را بر جامعه، فرهنگ و سیاست‌های کردستان گذارده‌اند. در این دوران و با توجه به هجمه‌های هویتی بر مردم منطقه، حرکتی پاندولی از ناسیونالیسم کردی به اسلام‌گرایی در منطقه دیده می‌شد که همین بستری مناسب برای گروه‌های اسلامی بود. گرچه اسلام سیاسی در کردستان عراق در پی اخلاقی کردن حوزه عمومی بود ولی سیر فرار و فرود حرکت اسلامی کردستان و انشعابات آن یک نیروی بی‌رمق با شاخه‌های فناتیک و سلفی را برقرار که به علت بیگانه بودن با فرهنگ مردم برای همیشه از صحنه سیاسی و دینی کردستان خارج شدند (عبدالله‌پور، ۱۳۸۹: ۶۵) و هم‌اینک احزاب به جای مانده تنها به عدول از اصول می‌توانند سمپاتی در میان مردم ایجاد نمایند. در پایان باید خاطر نشان ساخت با توجه به رویکرد سکولار اتحادیه و پارتی، نگاه رو به اندیشه‌های غربی دولتمردان این دو حزب، تشکیل

فرهنگ دیاسپورای مردم کرد در غرب و رفت و آمد آن‌ها به کردستان و همچنین ظهور و ورود کشورهای غربی مانند اسرائیل و آمریکا، رویکردی دین‌گریز در کردستان عراق به راحتی قابل رصد است (همان، ۶۶). به‌طور کلی احزاب جدید عراق به دنبال توسعه هستند و این امر را در اقتصاد لیبرالی و بازار آزاد و سرمایه‌گذاری کشورهای سرمایه‌دار غربی به ویژه آمریکا در منطقه جستجو می‌کنند و از این‌رو جریان‌ات غیردینی قوت بیشتری در سطح ایدئولوژی عراق جدید دارد که توسط آمریکا، اسرائیل و ترکیه حمایت می‌شوند. مثلاً یکی از اهداف آمریکا در عراق تقویت کشورهای منطقه در مسیر توسعه دموکراسی غربی و اقتصاد بازار آزاد است (واعظی، ۱۳۸۷: ۲۸۱). از اهداف اسرائیل نیز می‌توان به تضعیف عامل دین و نیز جلوگیری از گسترش بیداری اسلامی در منطقه اشاره کرد. گرچه جامعه مسلمان عراق و احزاب اسلامگرا، به شدت با عادی‌سازی روابط میان دولت عراق و رژیم اسرائیل مخالفت می‌کنند بنابراین می‌توان گفت ایدئولوژی سکولار در این منطقه سرنوشت سازترین ایدئولوژی سیاسی است و با توجه به اسلام‌گرایی ایران و محوریت مقاومت اسلامی در رویکرد آن که قبلاً ذکر شد، باید گفت که جمهوری اسلامی در حوزه ایدئولوژی، در عراق با چالش بزرگی مواجه است. این سازه یک سازه دیگر جوش است که در اثر اشاعه فرهنگ غربی و گسترش نهادها و سازمان‌های مربوط به آن و قدرت حمایت‌کنندگان ایدئولوژی سکولاریسم جهت فراهم‌سازی یک منطقه یک دست، برای بازار مصرف و بهره‌برداری از منابع آن، ایجاد شده و روندی رو به رشد دارد.

۲- سازه مادی: منابع، بازار مصرف، موقعیت و دسترسی

در ابتدا باید عنوان نمود ژئوپلتیک عراق محدودیت‌هایی را بر این کشور که فرصت‌هایی برای سایر کشورهاست تحمیل و ایجاد نموده که به صورت ذیل می‌باشند:

الف) به رغم دسترسی به خلیج فارس به‌علت سواحل اندک، عملاً یک کشور محصور در خشکی محسوب می‌شود؛

ب) این کشور بین دو قدرت بزرگ منطقه ای یعنی ایران و ترکیه قرار دارد؛

ج) مهم‌ترین منابع و سرمایه‌های عراق در نزدیکی مرزهای آن با ترکیه و ایران قرار دارد و از یک طرف، استان‌های نفت خیز کرکوک و موصل که کردنشین هستند، در نزدیکی مرزهای این دو کشور قرار دارند و از نظر ژئوپلیتیک این امر یک ضعف و آسیب‌پذیری امنیتی تلقی می‌شود؛

د) تقسیم این کشور بر اساس خطوط مذهبی و قومی است. به گونه ای که اکراد در شمال، شیعیان در جنوب و سنی‌ها در مرکز قرار دارند. به دنبال فرو پاشی حزب بعث، عزتی نیز اعتقاد دارد که الگوی آینده در عراق تمامی کشورهای حوزه خلیج فارس به خصوص ایران را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این الگو این ویژگی‌ها را دارد:

۱- ساختار نظامی آن بر اساس جداول سازمانی غرب با نگرش آمریکایی شکل خواهد گرفت؛

۲- دکترین نظامی آن پدافندی خواهد بود؛

۳- ساختار اقتصادی آن به محور استراتژی انرژی و بازنگاری در ساختارهای تولیدی‌اش به نحوی که بتواند روزانه تا ۶ میلیون بشکه یا بیشتر تولید کند شکل خواهد گرفت و مسلماً بازار اصلی آن آمریکا خواهد بود؛

۴- سیستم آموزش آن دگرگون خواهد شد، به نحوی که بتواند دموکراسی‌های غربی را جذب کند (عزتی، ۱۳۸۳: ۶۶)؛

۵- سیستم سکولار به منزله محور دیگر استراتژی‌های تدوین شده در این کشور قرار خواهد گرفت؛

۶- تقسیم قدرت حکومت مرکزی، نه به عنوان تجزیه فضاهای جغرافیایی کشور، بلکه به منزله تجزیه قدرت بر اساس قلمروهای جغرافیایی، نه ژئوپلیتیکی صورت خواهد گرفت (همان، ۶۶).

موقعیت بسته جغرافیای کردستان، بزرگ‌ترین چالش پایدار ژئوپلیتیک آن و پیش نیاز هر گونه مبادله با جهان خارج، جلب هم کاری کشورهای پیرامونی به ویژه ایران و ترکیه است در این راستا بسیاری از نیازمندی‌های کردستان عراق هم اکنون از گذرگاه‌های مرزی این دو کشور بر آورده می‌شود (زیباکلام و عبدالله پور، ۱۳۹۰، ۷۴). بروز هر گونه چالش در مناسبات کردها و آمریکا با این دو دولت نشان داده که آن دو از موقعیت فرادستی خود جهت تحمیل خواست‌هایشان تردیدی به خود راه نمی‌دهند. مسأله کردستان گرچه سابقه دیرینه ای دارد ولی پس از فرو پاشی نظام دو قطبی و شکست صدام از نیروهای ائتلاف در سال ۱۹۹۱ به صورت یک پدیده ژئوپلیتیکی فعال در منطقه و جهان ظاهر گشت و نوعی حکومت خود گردان کرد را در شمال عراق شکل داد (stansfield, 2003). در کردستان عراق، شرایط بدخیم

ژئوپلیتیک، محدودیت‌هایی را در تصمیم‌سازی^۱ و تصمیم‌گیری^۲ بر سیاست‌گذاری‌های رهبران آن تحمیل کرده که بر سیاست منطقه ای حکومت حریم کردستان تأثیر به‌سزایی داشته است. اهم این شرایط به شرح ذیل می‌باشند.

۱- به‌رغم دسترسی به منابع آبی فراوان، عملاً، کردستان عراق یک منطقه محصور در خشکی است؛

۲- این منطقه بین دو قدرت بزرگ منطقه ای ایران و ترکیه و بر روی یک گسل تمدنی پارس-ترک-عرب قرار دارد؛

۳- استان‌های نفت خیز کرکوک، موصل و قسمت‌های اعظم استان دیالی، در نزدیکی مرزهای ایران و ترکیه قرار دارد و از نظر ژئوپلیتیک این امر یک ضعف و آسیب‌پذیری امنیتی تلقی می‌شود؛

۴- تقسیم کردستان عراق بر پایه خطوط مذهبی و قومی به طوری که دو گرایش عمده قومی، لهجه ای سوران-بادینی و حضور کردهای فیلی، یزیدی، شبک و حضور ترکمن‌های شیعه، سنی و اقلیت‌های آشوری و نسطوری گسل‌های عمیق ژئو اتنیکال را در منطقه به وجود آورده است (عبداله‌پور، ۱۳۹۰: ۷۳).

کشور عراق هم یک صادرکننده مواد خام و انرژی است و هم یک وارد کننده کالاهای مصرفی است. برآورد می‌شود در حالیکه بطور تقریبی ۱۱۲ میلیارد بشکه نفت در عراق وجود دارد (Yildiz, 68). حجم خطوط لوله نفتی صادراتی نفت خام عراق ۶۶۰ مایل، طول دارد. که یکی لوله کرکوک-جیهان است که ظرفیت حداکثر ۱/۱ میلیون بشکه را دارا باشد و خط دیگر، خط لوله بصره می‌باشد (Ibid, 70). بنابراین این منطقه هم در بعد استخراج معادن و انرژی نیاز به خدمات فنی-مهندسی دارد، هم یک بازار مصرفی برای کالاهای خارجی است و هم با توجه به موقعیت محصورش نیاز به مسیر ارتباطی خوبی برای صادرات و واردات دارد. در این راستا دو ساختار حمل و نقلی تقریباً رقیب، همچنین امکان ارائه خدمات فنی-مهندسی و تهیه برخی کالاهای مصرفی عراق، ایران در قیاس با کشورهایمانند آمریکا، ترکیه کمترین سهم را از این فرصت‌ها بدست آورده است و چرایی این چالش نیز در سازه‌های معنایی عراق عرب و کردستان و تقابل آن‌ها با سازه ژئوپلیتیکی پایه ایران باز می‌گردد که در ادامه تحلیل خواهد شد.

1- Decision making

2- Decision Taking

۳. سازه آنارشیک حاکم بر کشور عراق، توزیع توانمندی‌ها و درک چالش‌های فرا روی جمهوری اسلامی ایران

سازه معنایی شکل گرفته در عراق بر مبنای زبان، قومیت و فرهنگ عربی، پان عربیسم، اسلام‌سنی، شیعه‌گرایی و سکولاریسم است در حالی که ایران یک کشور با سازه معنایی ایرانی (با تاکید بر زبان فارسی)، اسلامی- شیعی، دین در همه حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... و رویکرد انقلابی در حمایت از مسلمانان و مستضعفین جهان و مبارزه با سکولاریسم است. در حوزه زبانی ایران فاقد توانائی سرمایه‌گذاری زبانی در عراق است گرچه شاید بتوان گفت ظرفیت غنی سازی زبان کردی به عنوان آنتی تزی بر علیه جهان عرب سنی و ترکیه می‌تواند مطرح گردد (عبداله‌پور، ۱۳۸۵، ۱۲۰)؛ در حوزه دینی باید گفت مردم عراق علی‌رغم داشتن اکثریت شیعه، تقابلاتی را با شیوه شیعی بودن با ایرانیان دارند و نمی‌توان با این دید بیندیشد که خودجوش وارد یک تقابل اسلامی با غرب شوند و حتی سرمایه‌گذاری برای حرکت و جنبش آن‌ها بیشتر هزینه‌زا است تا امتیاز آور. در حوزه ایدئولوژی حکومتی نیز می‌توان گفت فقه مورد نظر ج.ا.ا. یک فقه رادیکال و فقه سیاسی شیعی مرجعیت در عراق یک فقه محافظه کار است. از سوی دیگر گرایش مسلط حوزه علمیه نجف اشرف به سمت عدم دخالت مستقیم روحانیت در سیاست متمایل است. آیت‌الله سیستانی که موقعیتی ممتاز در میان شیعیان خلیج فارس، هندوستان، پاکستان، افغانستان، لبنان و کشورهای اروپایی دارد، همچون مرحوم آیت‌الله خوئی بر این باور است که ورود مستقیم روحانیت در مسائل سیاسی و مناصب حکومتی به روحانیت دین ضربه می‌زند و روحانیت باید به ارشاد، وعظ و هدایت حاکمان و مسئولان بپردازد (همان، ۱۲۱). در میان گرایش لیبرال نیز برخی چهره‌های شاخص شیعه مانند احمد چلبی و دکتر مکیه دیده می‌شوند که اساساً مخالف نقش هر نوع مذهب در روابط سیاسی- اجتماعی هستند. بدین ترتیب برپائی حکومت تمام شیعی آغاز فعال شدن شکاف‌ها و رقابت‌هایی است که ثبات سیاسی عراق را به شدت به خطر افکنده و موقعیت شیعیان را متزلزل می‌سازد (همان، ۱۲۲). باید به سخنان جلال طالبانی اشاره کرد که در جواب، سؤال احتمال کنترل واقعی شیعه‌ها توسط ایران می‌گوید: امروز اعراب شیعه به ایران نیاز دارند چرا که آن‌ها به کمک آمریکا برای ایفای نقش اکثریتشان اعتماد ندارند. ولی در درازمدت این گونه نیست زیرا که تمایزات بنیادین ایدئولوژیک میان رهبران مذهبی ایران و رهبران مذهبی عرب در زمینه تفسیر اعتقادات شیعه وجود دارد. اعراب شیعه معتقدند که نجف واتیکان جهان شیعه است در حالی که ایرانیان

می‌کوشند قم را به‌عنوان واتیکان ارتقاء دهند. طالبانی هم چنین توضیح داد که اعراب شیعه برتری مذهبی آیت‌العظمی‌های ایرانی را نمی‌پذیرند. او خاطر نشان ساخت که مطابق عقاید شیعه، رهبر شخصی از خانواده پیامبر است. بنابراین باید عرب باشد (طالبانی، ۱۳۸۴). این امر سبب می‌شود که جمهوری اسلامی یک ایدئولوژی و به پیروی از آن یک رویکرد تجدید نظرخواهانه در مورد منطقه داشته باشد که با نظام آنارشیک حاکم بر کشور عراق و بازیگرانی همچون آمریکا، اسرائیل، ترکیه تفاوت ماهوی داشته باشد. بنابراین با توجه به هزینه‌ها بودن عدم تطابق نظام آنارشیک مورد نظر یک کشور با نظام آنارشیک حاکم در سطح جهانی یا منطقه‌ای (که قبلاً مطرح شد)، جمهوری اسلامی ناچار به تقبل هزینه‌های ناشی از این واقعیت و چالش‌های ناشی از آن است. این چالش خود چالش‌های دیگری را به همراه می‌آورد زیرا بنیان معادلات بر اساس این سازه‌های معنایی و تصورات و انگاره‌های بازیگران نسبت به یکدیگر شکل می‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران یک قدرت منطقه‌ای است و همان طور که می‌دانیم در حوزه خودش اثر گذار است لیکن با توجه به حساس بودن مناطقی که در حوزه برد ایران هستند، این کشور با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای که در سطح دنیا جز قدرت‌های برتر هستند در حوزه منطقه‌ای خود مواجه است. این قدرت‌ها به‌ترتیب قدرت و اثر گذاری در سطح دنیا و منطقه مورد مطالعه ما عبارتند از آمریکا، ترکیه و اسرائیل. کشورهایی مانند آمریکا و اسرائیل که رقبا و دشمنان رده اول جمهوری اسلامی ایران هستند با اتکا به قدرت نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود به صورت هم پیوند در جهت اهداف خود بستر سازی می‌کنند و جمهوری اسلامی را به حاشیه می‌رانند. این کشورها با تاکید بر سکولاریسم و نظام لیبرالی و بازار آزاد اقدام به ایجاد یک سازه ائتلافی مبتنی بر این مفاهیم در عراق نموده و به عبارتی چون مدل دموکراسی آمریکائی در عراق مبتنی بر سکولاریسم، لیبرالیسم و ناسیونالیسم خواهد بود، بنابراین از نظر ایدئولوژیک، تهدیدی علیه نظام سیاسی ایران خواهد بود (عبداله‌پور، ۱۳۸۸: ۸). بخش دیگر تهدیدات آمریکا بر علیه ایران تهدیدات فرهنگی است و همچنین بر اساس تهدیدات امنیتی - سیاسی از ناحیه شکل‌گیری سکولاریسم، لیبرالیسم و ناسیونالیسم، هویت اسلامی - ایرانی تهدید خواهد شد (همان). گرایش کشور عراق به این نوع از ایدئولوژی سیاسی زمینه را برای همکاری با این کشورها و پذیرش سرمایه‌گذاری‌ها و معادلات اقتصادی با آنها فراهم نموده است. ترکیه نیز با توجه به سازه‌های مشترک قومی - زبانی و مذهبی با شمال عراق و ترکمن‌ها و نیز با همراهی آمریکا و اسرائیل مهره دیگر را علیه ایران تشکیل می‌دهد چرا که

ترکیه همواره در روابط خود با عراق از اقلیت‌های ترکمن عراقی به عنوان وزنه ای استفاده وسیعی کرده است (Günter & Yavuz, 2005:122) با سنگین کردن کفه ترکمن‌ها از وزن و اهمیت کردها بکاهد (Ibid). این اتحاد که بر پایه سازه‌های ژئوپلیتیکی ائتلافی بر ساخته شده است سبب می‌شود که اکثر پتانسیل‌های همسایگی ایران با عراق تبدیل به چالش شوند. با نگاهی به وضعیت تشریح شده از واقعیت‌های ژئوپلیتیکی در می‌یابیم که جمهوری اسلامی ایران به دلیل اختلاف در سازه‌های معنایی با کشور عراق و نیز بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در یک طیف از آمریکا و اسرائیل (شدید) تا ترکیه و عربستان (ملازم) دچار چالش در پیگیری اهدافش در این منطقه شده است. این اختلاف در سازه‌های معنایی سبب بر ساخته شدن یک تضاد بین نظام مطلوب مدنظر جمهوری اسلامی ایران و نظام آنارشیک حاکم بر منطقه شده است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله ما ابتدا به بررسی رویکرد سازه انگاری و تحلیل سازه‌های ژئوپلیتیکی پایه و ائتلافی پرداختیم، سازه‌های ائتلافی خود از دو نوع خودجوش و دیگر جوش هستند. در ادامه به بررسی سازه و نظام آنارشیک جهانی و منطقه‌ای و ویژگی‌های آن و نسبت آن با توزیع توانمندی‌ها در ساختار بین‌الملل و منطقه‌ای پرداختیم. حال سازه ژئوپلیتیکی پایه ایرانی را به عنوان نقطه عزیمت بحث در نظر گرفتیم و به طرح سازه‌های درونی آن پرداختیم. بر اساس این تحلیل و نیز بررسی سازه‌های معنایی در کشور عراق به این مساله پی می‌بریم که ۱- سازه‌های معنایی موجود در عراق با سازه ژئوپلیتیکی پایه ایرانی (جز در برخی مناطق و در بعضی زمینه‌های محدود) متفاوتند؛ ۲- در برابر این تفاوت سازه‌های ژئوپلیتیکی ایران با عراق، برخی بازیگران مانند آمریکا، اسرائیل و ترکیه دارای سازه ائتلافی (مثلا ارتقاء اقتصادی، فدرالیسم، سکولاریسم و...) با کشورهای منطقه هستند؛ ۳- این تفاوت در سازه‌ها بین ایران و کشورهای منطقه و نیز بازیگران سبب قوام یافتن تضاد بین نظم منطقه ای مدنظر جمهوری اسلامی و آن‌ها شده است؛ ۴- این تفاوت‌ها در سازه‌های معنایی و نظام مطلوب دو طرف سبب چالش‌های در فرایند سیاست گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران در منطقه خواهد شد و حتی متأسفانه ممکن است فرصت‌های ناشی از موقعیت ژئوپلیتیکی و نیز مزیت همسایگی را نیز ضعیف نماید؛ ۵- عامل توزیع توانمندی‌ها نیز به این تضاد بین سازه‌ها و نظام مورد نظر دو

طرف افزوده شده و به چالش‌های مضاعف دامن زده است. بنابراین به پاسخ سؤال خود و نتیجه پایانی بحث می‌رسیم: با تضادی که میان سازدهای ژئوپلیتیکی ایرانی و عراق وجود دارد و نیز هم‌سازه بودن این کشورها با بازیگران حاضر در منطقه یک نوع تضاد در نظم مطلوب منطقه ای بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه و نیز بازیگران منطقه ساخت می‌یابد، که این عامل بعلاوه شکل توزیع توانمندی‌ها بین بازیگران، چالش‌هایی را فرا روی جمهوری اسلامی ایران می‌گذارد. قطعا شناسایی و تلاش در رفع این چالش‌ها به جمهوری اسلامی کمک خواهد کرد آن‌ها را به فرصت تبدیل نموده و از مزیت‌های سازه ای خود در رابطه با عراق و نظم منطقه ای مطلوب به نحو احسن استفاده نماید.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اسپوزیتو، جان (۱۳۸۷). **انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن**، ترجمه محسن مدیر شانه چی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز).
- برگر، پترال و دیگران (۱۳۸۰). **افول سکولاریسم: دین خیزش گر و سیاست جهانی**، ترجمه افشار امیری. تهران: انتشارات پنگان.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۷). **طراحی پژوهش‌های اجتماعی**، ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- بیات، کاوه (۱۳۷۰). «ناسیونالیسم ترک و ریشه‌های تاریخی آن»، **نگاه نو**، سال دوم، شماره ۴.
- پیام کردستان (۱۳۸۴). «خود مختاری برای ترکمن‌ها در کردستان؛ گزارشی از ایلنجویک در گفتگو با جلال طالبانی»، ترجمه طاهرخدیو، **پیام کردستان**، شماره ۲۴، ۲۰ اسفند.
- جردن، تری. ج و راونتری، لستر (۱۳۸۰). **مقدمه ای بر جغرافیای فرهنگی**، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). **هویت اجتماعی**، ترجمه تورج یار احمدی. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۱). **جغرافیای سیاسی ایران**. تهران: انتشارات سمت.
- خمینی، روح‌اله موسوی (۱۳۶۲). **در جستجوی راه از کلام امام: از بیانات و اعلامیه‌های امام از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۶۱**. تهران: امیرکبیر.
- خیر اندیش، رسول و شایان، سیاوش (۱۳۷۰). **ریشه یابی نام و پرچم کشورها**. تهران: انتشارات کویر.
- رازی، عبدالله (۱۳۴۷). **تاریخ کامل ایران**. تهران: انتشارات اقبال.
- زیبا کلام، صادق و عبدالله پور، محمدرضا (۱۳۹۰). «گسل ژئوپلیتیک، عاملی همگرا در نزدیکی کردهای عراق به اسرائیل»، **فصلنامه سیاست**، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۱، شماره ۴، زمستان.

- (۱۳۸۸). «همگرایی کردها و شیعیان و تأثیر آن بر سیاست‌گذاری‌های امنیتی ج.ا.ایران در عراق»، **فصلنامه سیاست**، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹ شماره ۴، زمستان.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۶). «نگرشی سازه‌انگارانه به هویت ملی در ایران»، **فصلنامه مطالعات ملی**، سال هشتم، شماره ۳، صص ۵۳-۳۱.
- سید قطب (۱۳۷۸). **نشانه‌های راه**، ترجمه محمود محمودی. تهران: انتشارات احسان.
- سیمبر، رضا (۱۳۸۵). «ژئوپلیتیک و مذهب در نظام بین‌الملل: راهبردها و تحولات»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال دوم، شماره سوم و چهارم، صص ۹۸-۱۱۸.
- شکاری، عبدالقیوم (۱۳۸۵). **روزنامه کیهان**، مورخ دوشنبه، ۲۳ مرداد.
- شکوهی، حسین (۱۳۷۳). **فلسفه جغرافیا**. تهران: انتشارات گیتا شناسی.
- (۱۳۸۲). **اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا**. تهران: گیتاشناسی.
- عبداله‌پور، محمدرضا (۱۳۹۰). «تعارض ژئوپلیتیکی کردستان عراق با میدان‌های منطقه ای، جذب اسرائیل در میدان مغناطیسی کردستان عراق»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**.
- (۱۳۸۹). «کردستان عراق از سرکوب تا حکومت دو فاکتو»، **فصلنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دانشگاه تهران**، شماره ۱۵-۱۴.
- (۱۳۸۸). «کلاس سکولاریسم در مدارس خاورمیانه»، **روزنامه رسالت**، سال بیست و پنجم، شماره ۶۹۰۵.
- (۱۳۸۵). همگرایی کردها و شیعیان عراق و تأثیر آن بر سیاست‌گذاری‌های امنیتی ایران در قبال عراق، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۳). **مجله نگاه**، سال چهارم، شماره ۴۳، فروردین و اردیبهشت.
- فولر، گراهام (۱۳۷۳). **ژئوپلیتیک ایران (قبله عالم)**، ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- قطب، محمد (۱۳۴۶). **جاهلیت قرن بیستم**، ترجمه صدرالدین بلاغی. تهران: امیرکبیر.
- متقی، ابراهیم و حجت کاظمی (۱۳۸۶). «سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴، صص ۲۳۷-۲۰۹.
- مجتهدزاده، پیروز و حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۸۷). «برابرسازی واژگان جغرافیای سیاسی»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال چهارم، شماره اول، ۷-۱.
- دیورینگ، سایمون (۱۳۸۲). **مجموعه مقالات مطالعات فرهنگی**، ترجمه نیما ملک محمدی و شهریار وقفی‌پور. تهران: انتشارات تلخون ایران.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶). **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**. تهران: انتشارات سمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). **خدمات متقابل اسلام و ایران**. تهران: صدرا.

سازدهای ژئوپلیتیکی در عراق نوین و چالش‌های پیش روی...

نقیب زاده، احمد (۱۳۸۴). تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل: از پیمان وستفالی تا امروز. تهران: قومس.
ونت، الکساندر (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: دفتر مطالعات
سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۷). اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی.
تهران: نشر مرکز.

(ب) منابع انگلیسی

- Anna, M., (1999). "The Islamic Challenge in Post- Soviet Eurasia", **Political Islam and Conflict in Russia and Central Asia**, L. Jonson & M. Esenov (eds.) Stockholm: Utrikerspolitiska Institutet.
- Del Casino Jr., Vincent J., (2009). **Social Geography "A Critical Introduction"**, Wiley- Blackwell Publication
- Gunter, Michael, M., & Yavuz, M. Hakan (2005). "The Continuing Crisis in Iraqi Kurdistan", **Middle East Policy**, Vol. 12, No. 1, 122-133.
- Lussac, Samuel (2008). "The Baku-TBILISI- Kars, Railroad and its Geopolitical Implications for the South Caucasus": **Caucasian Review of International Affairs**, Vol. 2(4), pp: 212-224.
- Norton, William (2000). **Cultural Geography "Themes, Concepts, Analysis"**, Newyork: Oxford Press.
- Onuf, N.G., (1989). **World of Our Making: Rules and Rule in Social Theory and International Relations**, Columbia: University of South Carolina Press.
- Soja, E.W., (1992). "Taking Los Angeles Apart, Towards a Post Modern Geography". In Jencks, C., (ed.), **The Post-Modern Reader**. London: Academy Editions: 277-298.
- Stansfield, Gareth (2005). **Makeup or Breakup**, posted on Kurdish media & Kurdistan observer, 7 march.
- Wendt, A., (1994). "Collective Identity and the International State," **American Political Science Review**, Vol, 88, pp 391- 425.
- (1992). "Anarchy is What States Make of IT, The social Construction of Power Politics," **International Organization**, Vol. 46, No. 2, 391-425.